

پذیرش این اصل مسلم که هنر و ادبیات میراث مشترک جامعه بشری است، مستلزم قبول ارتباط زنجیره‌ای این مقوله در فرهنگ‌های ملل و تأثیر متقابل آفرینش‌های هنری بر یکدیگر خواهد بود. ادبیات تطبیقی (comparative literature) که در زبان عربی به آن «الأدب المقارن» می‌گویند یکی از شاخه‌های ارزشمند و مهم علوم ادبی معاصر و یکی از پایه‌های نقد ادبی جدید است که ما را از تأثیر پذیری ادبیات ملل مختلف و همچنین تأثیر پذیری شاعران و نویسندگان ملت‌ها از یکدیگر آگاه می‌سازد و از این راه امکان توسعه و تبادل پیشرفت‌های فرهنگی نیز میسر می‌شود. «طه ندا» می‌گوید: ادبیات تطبیقی علاوه بر توجه به ویژگی‌های ادبی، ریشه در علایق ملت‌ها نیز دارد. اگر درباره ادبیات تطبیقی بدون علایق تاریخی بحثی به عمل آید، خارج از مقوله ادبیات تطبیقی است و از طرفی باید زمینه‌های همانندی و هماهنگی فراهم باشد (ندا، ۱۳۸۰: ۱۴). با توجه به اهمیت ارتباط بین زبان عربی و فارسی و همچنین تأثیر پذیری آنان از ادبیات غرب بر آن شدیم تا در این رساله به دنیای ادبیات تطبیقی گام نهم و به مقایسه مضامین رمانتیسزم در اشعار دو بانوی شاعر پر آوازه‌ی معاصر پردازیم.

بررسی آثار منظوم «نازک‌الملائکه» (۱۹۲۳م/ ۱۳۰۲ه.ش. - ۲۰۰۷م/ ۱۳۸۶ه.ش.) به عنوان پایه گذار شعر نو عربی و «فروغ فرخزاد» (۱۹۳۴م/ ۱۳۱۳ه.ش. - ۱۹۶۷م/ ۱۳۴۵ه.ش.) از نو سرایان شعر فارسی و تعداد دیگری از نو سرایان زبان عربی و فارسی که در حقیقت پیشگامان این دوره از شعر نو بوده‌اند، نشان می‌دهد که شعر نو در ابعاد محتوا، قالب و زبان، تأثیرات قابل توجهی را از شعر دوره رمانتیک اروپا پذیرفته است. استفاده از درون‌مایه‌های بدیع در شعر نو که در اشعار قدما به ندرت مشاهده می‌شود و در شعر اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بیانگر این مطلب است که شعر دوره رمانتیک حداقل در معرفی این درون‌مایه‌های بدیع به شعر نو فارسی و عربی نقش مهمی ایفا کرده است. اگر چه ذوق و خلاقیت نو سرایان و نیز جو سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر تولد شعر نو، در پیدایش و بالندگی آن دارای اهمیت ویژه‌ای است.

نهضت رمانتیسیم، حرکتی بود که بر خلاف نئوکلاسیسم در موضوع، شکل و سبک ادبی تمایل به نوآوری داشت. این حرکت، اصل ضرورت بیان ادبی دوره پیشین را مطرود شمرد، موضوعات خود را از وقایع روزمره زندگی انتخاب کرد و زبان مردم عادی را نیز برای ساختن و پرداختن این موضوعات به زبان پرطمطراق نئوکلاسیسم برتری داد (پور علی فرد، ۱۳۸۲: ۳). حال به دلایل زیر به بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسیم در شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد، این دو بانوی شاعر بزرگ و هم عصر می پردازیم: ۱- هر دو از جایگاه ویژه‌ای در شعر عربی و فارسی برخوردارند، ۲- هر کدام در زمینه شعر نو دارای سبکی خاص هستند که در مورد آن به نظریه پردازی پرداخته‌اند، ۳- هر دو آغازگر راهی نو در شعر معاصر می باشند، ۴- هر دو دارای اشتراک‌هایی در مضمون و سبک شعریشان هستند. ۵- حس و نگاه زنانه در شعر این دو شاعر کاملاً برجسته است، ۶- نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد با زبان و آثار شاعران رمانتیسیم اروپایی آشنایی داشته و متأثر از آنان نیز بوده‌اند.

#### زمینه، سابقه و تاریخچه پژوهش

نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد در ادبیات عربی و فارسی چنان برجسته‌اند که به طور جداگانه بسیار به تحلیل اندیشه‌های آن دو پرداخته شده است. از جمله «مصطفی هداره» در کتاب «البحوث فی الأدب العربی الحدیث» و دکتر «سید حسین سیدی» در کتاب «بررسی تطبیقی نظریه ادبی نیما و نازک‌الملائکه» به جنبه‌هایی از گرایش رمانتیکی در شعر نازک‌الملائکه پرداخته‌اند. همچنین پایان‌نامه‌هایی چون: «ابهامات فکری و ادبی نازک‌الملائکه»، «المقارنه بین المضامین و المفاهیم الإجتماعیه فی أشعار نازک‌الملائکه و نیما یوشیج» و «تساؤم نزد ابوالعلاء معری و نازک‌الملائکه» هر کدام جنبه‌هایی از اندیشه نازک‌الملائکه را ترسیم نموده‌اند و مقالات متعددی نیز در مورد نازک‌الملائکه نوشته شده است.

در مورد فروغ نیز کتاب‌های متعددی از جمله: شناخت‌نامه فروغ فرخزاد- فروغی دیگر (نگاهی تازه به اشعار فروغ فرخزاد)- فروغ فرخ زاد و سینما- ادای دین به فروغ فرخزاد (قصه فروغ)- فروغ فرخزاد جاودانه زیستن، در اوج ماندن- فروغ آیه‌های زمینی- شاعران تهران (از آغاز تا امروز)- پریشادخت شعر (زندگی و شعر فروغ فرخزاد) و... نوشته شده و به صورت تطبیقی مقاله‌ای تحت

عنوان (زمان در شعر فروغ فرخزاد و نازک الملائکه بررسی تطبیقی دو شعر «بعد از تو» و «افعوان») و مقاله ای با عنوان (رمانتیسم تلخ در شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد) به نگارش در آمده است.

اما رمانتیسم به طور مقایسه‌ای در شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد به صورت پایان نامه، مورد بررسی قرار نگرفته است. ما بر این باوریم که هر دو شاعر زن در محیط و فرهنگ شبیه به هم زیسته، دارای اندیشه‌هایی مشابه و متأثر از ادبیات غرب، مخصوصاً در مکتب رمانتیسم هستند. پس بر خود لازم می‌دانیم که تحقیقی مستقل در این مورد ارائه دهیم.

### اهداف پژوهش:

- أ- تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبی و شخصیتی نازک الملائکه و فروغ فرخزاد.
- ب- بررسی اصول و مضامین رمانتیسم فردی و اجتماعی در شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد.
- ت- مقایسه تطبیقی قوت یا ضعف مضامین رمانتیسم فردی و اجتماعی در شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد.

### اهمیت و ارزش پژوهش

از آنجا که نازک الملائکه و فروغ فرخزاد از شاعران تأثیر گذارِ معاصرِ عربی و فارسی می‌باشند و با توجه به این که جریان رمانتیسم از ماندگارترین جریان‌ها در شعر معاصر است که روح تازه ای بر ادبیات جهان مخصوصاً ادبیات عربی و فارسی دمیده، شناخت این مکتب و چگونگی شکل‌گیری آن و تطبیق موضوعات رمانتیسم در شعر عربی و فارسی به شناخت هر چه بهتر شعر معاصر عربی و فارسی منجر خواهد شد و با توجه به این که رمانتیسم بیشتر از هر چیز دیگر در شعر نمایان‌تر است با بررسی مضامین آن در شعر نازک الملائکه و فروغ فرخزاد، بهتر می‌توان به شناخت این مکتب و تأثیر گذاری آن بر شعر معاصر عربی و فارسی پی‌برد و می‌تواند راه‌گشای خوبی برای شناخت هر چه بهتر رمانتیسم و شعر و ادبیات دیگر شاعرانی باشد که در این زمینه حرفی برای گفتن دارند.

## پرسش‌ها

- ۱- علل گرایش نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد به رمانتیسیم چه بوده و میزان تأثیرپذیری آنان از این مکتب در چه حدی است؟
- ۲- هر کدام از آن دو در چه مضمونی از مضامین رمانتیسیم برجسته‌تر از دیگری است؟
- ۳- آیا نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد علاوه بر رمانتیسیم فردی به رمانتیسیم اجتماعی پرداخته‌اند؟

## فرضیه‌ها

- ۱- وجود مشکلات اجتماعی و خانوادگی در زندگی نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد که منجر به غم و اندوه می‌شود از یک سو و احساسی بودن مکتب رمانتیسیم، از سوی دیگر و همچنین روح حساس زنانه در آن دو، منجر به پرداختن به این مکتب شده است.
- ۲- چون نازک و فروغ، مشکلات و سنت‌های موجود در جامعه را مانع تحقق آرزوهای خود می‌دانند، پرداختن به غم و اندوه، بدبینی، گرایش به دوران بی‌ریای کودکی، پناه بردن به طبیعت، گرایش شدید به خیال که از مهمترین مضامین رمانتیسیم است، در شعر آنها دیده می‌شود.
- ۳- نازک و فروغ، علاوه بر بیان احساسات فردی خود، به رمانتیسیم اجتماعی نیز پرداخته‌اند.

## روش انجام تحقیق

این پژوهش مانند اکثر پژوهش‌های رشته علوم انسانی بر پایه روش کتابخانه‌ای استوار است. بدین ترتیب که ابتدا به کندوکاو مطالب در منابع و کتاب‌ها پرداخته شده، سپس مطالب لازم و مرتبط با پژوهش از کتاب‌ها استخراج، فیش برداری و بر اساس تسلسل منطقی تنظیم شده است.

فصل اوّل

مکتب رُمانتیسْم

## ۱-۱- مکتب رمانتیسم

### ۱-۱-۱- پیدایش رمانتیسم

«کلاسیک، اولین مدرسه ادبی است که در ابتدای قرن نهضت، قرن شانزدهم میلادی بعد از پیشرفت علمی بزرگ در اروپا نمایان شد و از قرن شانزدهم تا اواخر قرن هیجدهم در اروپا سروری کرد و شاعران و نویسندگانی چون: مولیر<sup>۱</sup>، لافونتن<sup>۲</sup>، راسین<sup>۳</sup>، میلتن<sup>۴</sup>، درایدن<sup>۵</sup> و... از سردمداران آن بودند. هدف اساسی و ابتدایی طرفداران مکتب کلاسیک، زنده کردن ادب یونانی و لاتینی، با تمام آن قالب‌ها و مضامین شعری متمایز با اصالت، انسانیت و کمال گرایی، بود» (غنیمی هلال، ۲۰۰۱: ۳۳). اما در نیمه اول قرن هیجدهم طبقه اشراف و اصیل‌زادگان، رفته رفته قدرت و اعتبار خود را از دست دادند؛ مخصوصاً از لحاظ اخلاقی، فساد و انحطاط آنها روز بروز ظاهرتر شد، هزینه زندگی بالا رفت، دیگر اطاعت مطلق و تسلیم محض نسبت به هر گونه زور گوئی و استبداد یک طبقه فاسد، کار مضحک و بی‌فایده‌ای شمرده می‌شد. طرز تفکر مردم با آنچه نویسندگان کلاسیک می‌خواستند، فاصله پیدا کرد. در این دوره مردم احساس کردند که باید در مورد مسائل مختلف زندگی بحث و مجادله کنند و برای بهتر ساختن وضع زندگی خود احتیاج به اطلاعات عمومی پیدا کردند، تعداد روزنامه‌ها افزون‌تر گشت، مردم به دانستن زندگی ساکنان سایر کشورها و قاره‌ها علاقمند شدند. زیرا قرن هیجدهم گرفتار جهل بود و قدرت تجزیه و تحلیل و اثبات مسائل را نداشت. در آن دوره فقط یک «طبیعت جاودان» *Nature Permanente* و یک «عقل لایتغیر» *Raison Immuable* وجود داشت (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

در نتیجه در نیمه اول قرن هیجدهم، اروپائیان پی‌بردند که دنیا بسیار متنوع‌تر و پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌کردند. دیگر احتیاجی نداشتند که نصایحی درباره رعایت چند اصل ثابت و اطاعت

---

۱- Moliere، ژان باتیست مولیر: نمایشنامه نویس بنام فرانسوی (۱۶۲۲-۱۶۷۳). آثار: مکتب زنان، دون ژوان، طیب عشق، مردم گریز، خسیس، ریاکار، بیمار خیالی (اختریان، ۱۳۸۱: ۵۸۱-۵۸۲).

۲- Jean de Lafontaine: شاعر و نویسنده فرانسوی (۱۶۲۱-۱۶۹۵) که در سی سالگی به نوشتن پرداخت و سرشناس شد. مقداری از آثار او ملهم از کلیله و دمنه است. آثار: افسانه‌ها، رویای مغول، منظومه گنه گنه، قصه‌های حیوانات (همان: ۵۷۶).  
۳- Racine  
۴- Milton  
۵- Dryden

از چند دستور خشک بشنوند. می‌خواستند طرز تفکر، هنر، ادبیات و همچنین زندگی اجتماعی را از روی قضاوت صحیح و هوش و فراست تنظیم کنند (همان: ۱۶۶). کم کم تعصب دینی تا درجه‌ای از میان رفت و آزادی قلم و بیان توسعه یافت. در ابتدا شاعران و نویسندگان مختلفی ظهور کردند که همان قالب‌های کلاسیک را برای آثارشان حفظ کردند، اما محتوای نوشته‌هایشان خبر از تحول تازه‌ای می‌داد. روش اخلاقی و ذوق ادبی و منابع الهام این هنرمندان نیز با کلاسیک‌ها فرق فاحش داشت، گذشته از این که احساسات را بر عقل ترجیح می‌دادند به حزن و اندوه که بعدها بر ادبیات رماتیک‌ها حاکم شد، متمایل بودند.

«ژان ژاک روسو<sup>۱</sup>» توانایی‌های تخیل و حساسیت را ارج فراوان نهاد و سیستم تعلیم و تربیت خود را بر پایه معلم دانا اما متهور گذاشت و می‌گفت: «مقابله با شور و هیجان، فقط با شور و هیجان امکان دارد» و ده‌ها نویسنده کم شهرت‌تر تکرار کردند که: «زندگی بی‌شور و هیجان به منزله این است که سراسر زندگی را در خواب باشیم». طوری که در سال‌های ۱۷۷۰-۱۷۷۵م. انسان از حزن و اندوه سرمست می‌شد (همان: ۱۶۷) مثل آنچه که در اشعار «تی. اس. الیوت<sup>۲</sup>» دیده می‌شود. عده‌ای در زندگی اجتماعی، دوستدار زندگی روستائی و طبیعت وحشی و بدوی شدند. عده‌ای نیز که از اختلافات طبقاتی آزاده بودند، در جستجوی آزادی و مساوات بر آمدند، از طرف دیگر به یادگارها و سُننی که جنبه ملی داشت، علاقه نشان دادند و احترام گذاشتند. از این رو دوره «قرون وسطی» که مورد نفرت کلاسیک‌ها بود، ارزش و احترام پیدا کرد و از بوته‌ی فراموشی خارج شد. شعر هر چه رقیق‌تر، ساده‌تر، آزادتر و صمیمانه‌تر بود، بیشتر جلب نظر کرد (همان: ۱۷۱). بدین ترتیب، مردم از «عقل» که آن همه حکومت کرده بود، از «روشنفکری» که اصرار داشت، هر چیزی را قبل از این که احساس کنیم بفهمیم، از آنچه «روح پیرمردانه قرن هفدهم» خوانده می‌شد، خسته شدند. نوعی زیبایی‌شناسی و حتی اخلاقیات پیشنهاد شد که بر صداقت متکی بود و اعلام می‌داشتند که زیبا آن

---

۱- Rousseau: نویسنده و فیلسوف فرانسوی (۱۷۱۲-۱۷۷۷م) در شهر ژنو در سویس متولد شد که مادرش هنگام زادن وی مُرد و پدرش ساعت ساز خوش گذرانی بود که به او اهمیت نمی‌داد. تحت تکفل عمه اش بزرگ شد و به نوکری و درباری پرداخت. بعد به فرانسه رفت و در محافل ادبی درخشید (اختریان: ۱۳۸۱: ۳۸۷-۳۸۸).

۲- Thomas Stearns Eliot: شاعر، نمایشنامه‌نویس، منتقد ادبی آمریکایی- بریتانیایی (۱۹۶۵-۱۸۸۸م).

است که از شور و هیجان الهام گرفته باشد. همچنین سخن گفتن از ارتباط بین ادبیات و زندگی چیزی است که نقد قدیم با آن آشنا نبود یا آن را به صورت نظریه برجسته و شناخته شده، نشناخته است. چه بسا اولین عبارت در تاریخ نظریه نقدی که بین ادبیات و زندگی ربط داد، گفته مشهور ناقد و شاعر مشهور انگلیسی «کالریج»<sup>۱</sup> است که گفته: «ادبیات نقدی برای زندگی است» و بدین ترتیب رمانتیکی‌ها تحول بزرگی در میدان ادب ایجاد کردند و علت آن بکار بردن این معیار جدید توسط آنان است (إسماعیل، بی تا: ۳۷۳).

در اقصی نقاط جهان وقتی آثار ادبی گذشتگان و پیشکسوتان ادب و فرهنگ، مورد مطالعه و ژرف‌نگری و نقد قرار می‌گیرد، ویژگی‌های رمانتیک در آثار و اشعار آنان به طور پراکنده قابل درک است و حتی نقادان بزرگ گاهی عوامل بروز نهضت رمانتیسم در اروپا را ریشه در دیگر فرهنگ‌ها، خصوصاً شرق می‌دانند. مثلاً «سیلییر»<sup>۲</sup> تلاش کرده که منشأ «رمانتیسم» را شرق، جلوه دهد و اعتقادش بر این است که میراث افلاطون با مسیحیت (که آن هم شرقی است) در هم می‌آمیزد و با مکتب نوافلاطونی نیروی بیشتری گرفته و دوران جدید رمانتیسم را پدید آورده است (جعفری، مسعود؛ ۱۳۷۸: ۹۴).

در هر حال نمی‌توان جاذبه خاص شرق را در نظر شاعران و نویسندگان قرن هیجده اروپا، کتمان کرد. سفر به شرق، ترجمه کتاب‌های شرقی (ترجمه هزار و یک شب) و نیز انتشار سفرنامه‌هایی در باب ایران و هند و انتشار کتاب‌های: قصه‌های ایرانی، قصه‌های ترکی، افسانه عربی واثق و... را می‌توان گواهی بر این مدعا دانست (همان: ۹۶-۹۷) و شاعرانی همچون: «ویکتور هوگو»<sup>۳</sup>، «آلفونس

---

۱- Coleridge: شاعر، ادیب و منتقد انگلیسی (۱۷۷۲-۱۸۳۴م).

۲- Seillere: منتقد فرانسوی که از معارضان سرسخت رمانتیسم است که او آن را بیماری می‌نامد.

۳- Victor Hugo: شاعر و رمان‌نویس فرانسوی (۱۸۰۲-۱۸۸۵م) در شهر برانسون فرانسه متولد شد و مشهورترین کتابش «بینوایان» است (اختریان، ۱۳۸۱: ۵۸۵).



لوئی لامارتین<sup>۱</sup> و «آلفرد دو موسه<sup>۲</sup>» به آثار ترجمه فارسی توجه نشان داده‌اند و حتی «هوگو»، قسمتی از کتاب زنان شرقی را با الهام از ادب فارسی نگاشت (هنرمندی، ۱۳۵۰: ۲۸).

دکتر «ذبیح‌الله صفا» در این مورد بیان می‌دارد که با وجود آن که اشعار غنایی در شعر فارسی که دارای رنگ و بوی اندیشه‌ی رمانتیسم است از نخستین روزگار پیدایش شعر دری، یعنی قرن سوم آغاز شد اما سیر به سوی کمال آن از قرن چهارم شروع شد (صفا، ۱۳۷۲: ۲۱۷) و بعدها در قرن هفتم و هشتم به اوج خود رسید که این اندیشه‌ها در نوابع هنر و ادب جهان تأثیرگذار بود و رمانتیک‌هایی چون: هوگو، لامارتین، لرمانتوف<sup>۳</sup>، بایرون<sup>۴</sup>، شلی<sup>۵</sup>، هاینه<sup>۶</sup> و... از آن بهره‌مند شده‌اند (صفا، ۱۳۵۳: ۲۱۷).

با این اوصاف، رمانتیسم (Romantisme) به عنوان مکتب، بیش از آن که یک جریان ادبی و هنری باشد، مرحله‌ای از حساسیت اروپایی است که نخست در اواخر قرن هیجدهم در انگلستان (غنیمی هلال، ۲۰۰۱: ۳۲) با ویلیام بلیک<sup>۷</sup>، ویلیام وردزورث<sup>۸</sup>، کالریج و در آلمان با گوته<sup>۹</sup>، شیلر<sup>۱۰</sup>، هولدرلین<sup>۱۱</sup> و سپس در قرن نوزدهم در فرانسه با ویکتور هوگو، شاتوبریان، لامارتین، در ایتالیا با

---

۱- Lamartin: شاعر و رمان نویس فرانسوی (۱۷۹۰-۱۸۶۹) که شعر معروفش «دریاچه» و دیوان معروفش «تفکرات جدید شاعرانه» است (اختریان، ۱۳۸۱: ۵۷۶).

۲- Musset: شاعر و نمایش نامه نویس فرانسوی (۱۸۱۰-۱۸۷۵) متولد پاریس، در طب، حقوق و نقاشی تحصیل کرد و سرانجام شاعری را پیشه کرد. مهمترین اثر شعریش «اعترافات کودک قرن» است (همان: ۵۸۱).

۳- Mikhail yuryevich Lermontov: میخائیل ایروییچ، متولد مسکو (۱۸۱۴-۱۸۴۱) در سه سالگی مادرش را از دست داد و در ۲۷ سالگی در یک دوئل کشته شد. آثار: قهرمان عصر ما، نوآموز، شیطان، بالماسکه (همان: ۵۷۷)

۴- George Gordon Byron: لرد جرج شاعر انگلیسی متولد لندن (۱۷۸۸-۱۸۲۴)، مدتی در سوئیس و آلمان بسر برد، چند سالی به مشرق زمین مهاجرت کرد. در جنگ رهایی یونان از استعمار عثمانی در ۳۶ سالگی کشته شد (همان: ۵۵۹)

۵- Heinrich Heine: شاعر آلمانی (۱۷۹۷-۱۸۵۶)

۶- Percy bysshe Shelley

۷- wordsworth

۸- W.Blake

۹- Goete: شاعر و منتقد آلمانی (۱۷۴۹-۱۸۳۲) در خانواده‌ای متمول رشد کرد. حقوق، پزشکی، ادبیات و فلسفه آموخت و به نویسندگی روی آورد، وی را پدر ادبیات آلمان لقب داده‌اند. متأثر از حافظ دیوان شرقی را بوجود آورد و در آن از حافظ تجلیل کرد (اختریان، ۱۳۸۱: ۵۷۵)

۱۰- Holderlin

۱۱- Schiller

مانتسونی<sup>۱</sup>، لئوپاردی<sup>۲</sup>، در اسپانیا با سوریلیا<sup>۳</sup> و در کشورهای اسکاندیناوی با اولنشرگر<sup>۴</sup>، تینگر<sup>۵</sup> و استاگنلیوس<sup>۶</sup> ظاهر شد (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۱) و طی قرن هیجدهم، اروپا را به تسخیر خود درآورد و در نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا سروری نمود و نخستین کسی که سخن از خرد ستیزی رمانتیک‌ها به میان آورد، اندیشمند و فیلسوف ناپلی، «جامباتیستا ویکو» بود که نظریه‌ای را درباره اعتبار حقوق مبتنی بر عرف عام و عقل سلیم (sensus communis) پایه‌گذاری کرد (سورن، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۲۹).

آثار این مکتب در آزادی سیاسی و اجتماعی که مردم را از بندگی که ثروتمندان، زمین‌داران و کنیسه‌ها بر آنها تحمیل کرده بودند، آشکار شده است و آنان شروع به شکستن همه قید و بندهایی که در تمام زمینه‌های زندگی بر آنها بسته بودند، نمودند و در خلال این آزادی طبقه‌ای جدید ظهور کرد که جای طبقه سرمایه‌داری را گرفت و به طبقه بورژوازی (کارگری) معروف شد که گروه‌های اجتماعی جدید از کارگران، کشاورزان، تاجران، متفکران به آن ملحق شدند (عبود شراد، ۱۹۹۸: ۱۳۵) پس عصر رمانتیک، عصر طبقه بورژوازی شمرده می‌شود که در این عصر اشرافیت، همه اهمیت و نفوذ خود را از دست می‌دهد (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

بدین ترتیب «مکتب رمانتیسم با ویژگی‌هایی از قبیل: احساس‌گرایی، فردگرایی، ادب غنایی، تخیل وسیع و درهم شکستن چهار چوب‌ها و قاعده‌ها، عام شمول شد. اگر چه رگه‌های اندیشه‌ی رمانتیک با بشریت، هم‌زاد است و برخی ویژگی‌های آن نظیر تخیل و احساسات در تمام انسان‌ها در طول تاریخ جاری است» (رفعت جو، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

خلاصه اینکه هر چند اندیشه‌ی رمانتیسم، هم‌زاد بشر است اما به عنوان مکتب به جریانی گفته می‌شود که از مجموعه ویژگی‌های جنبش کلاسیسم خالی است؛ تقلید و پیروی از یونان قدیم را رد می‌کند. دشمن تقلید و عرف و خواهان بیان آزاد و صادقانه احساسات است که میل به حرکت، آزادی، پیشرفت و برتری عاطفه بر عقل را ارج می‌نهد. پیدایش رمانتیسم در ادبیات اروپایی به انقلاب

Zorrilla-۳  
Stagnelius -6

Leopardi-۲  
Tenger-5

Manzoni-۱  
Oehlenschlager-4

اجتماعی و سیاسی که مذهب لیبرالی و گرایش آزادی خواهانه آن را بیان می‌دارد که ریشه‌هایش به عصر نهضت بر می‌گردد، مرتبط است. سپس ارزش آن به انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م. که مبدأ اصلی آن است، بر می‌گردد. رمانتیک، انقلاب بر ضد عقل - که کلاسیکیون آن را مقدس می‌دانستند - و انقلاب بر ضد ادب قدیم است و به ادبیات خود ادیب، شخصیت و گرایش‌های او و به دل‌مشغولی‌های زندگی روزانه به جای پرداختن به نمونه‌های انسانی والا و زندگی مخصوص پادشاهان، قهرمانان و بزرگان توجه می‌نماید. بدین خاطر ادب رمانتیکی سرشار از عاطفه انسانی و غرق در آن است.

## ۲-۱-۱- معنای لغوی رمانتیسیم

واژه رمانتیک از واژه رمانز (Romanz) در فرانسوی کهن گرفته شده است. رمانز به معنی زبان‌های محلی رومیایی می‌باشد که از لاتین، ریشه گرفته‌اند مانند ایتالیایی، فرانسه، اسپانیایی، پرتغالی، کاتالانی<sup>۱</sup> و پرووانسی<sup>۲</sup>. رمانس یا رُمونت در قرون وسطی، معنای قصه‌های سلحشوری، غالباً به نظم، را پیدا کرد که به یکی از این زبان‌های رومیایی نوشته شده باشد و مضمون طلب و جستجو به ساختار آن شکل دهد. اینکه امروزه واژگان «رمانس» و «رمانتیک» رویدادهای عاطفی شدید را به ذهن ما متبادر می‌سازد، می‌توان به معنای قرون وسطی آنها مربوط دانست. به همین نحو مفهوم «رمانتیسیم» در قرون هیجدهم و نوزدهم که حکایت از رویدادی فکری داشت نیز به همین معنای قرون وسطی قابل ارجاع است (هیث، ۱۳۸۰: ۵).

در همان قرون وسطی کلمه‌های Romancar, Romanz, Enromancier به معنی تألیف و ترجمه‌ی کتاب به زبان‌های بومی بود. آثاری که بدین ترتیب پدید می‌آمد Roman, Romance, Romanz نامیده می‌شد. این واژه همچنین در معنای عامه‌پسند نیز به کار می‌رفت، سپس در مفاهیم چیزی تازه، متفاوت و غیر عادی استعمال گردید (ثروت، ۱۳۸۵: ۵۱).

---

۱ - زبان قدیمی اهل کاتالونیا: آن منطقه ای است که در شمال شرق اسپانیا واقع است و ارتباط شدیدی با زبان قدیمی پرووانسی قدیم داشتند.

۲ - زبان قدیمی که در جنوب شرق فرانسه به کار می‌رفت.

در نتیجه، نخست صفت «رمانتیک» بود که در اغلب زبان‌های اروپائی ظاهر شد (Romantic, Romantisch, Romantico, Romantique) صفت رمانتیک که از کلمه لاتینی قرون وسطائی رومانیتیکوس Romanticus گرفته شده بود به تدریج در قرن هفدهم رواج یافت. در فرانسه تشخیص این صفت، از یک صفت دیگر یعنی رمانسک Romanesque بر گرفته از کلمه ایتالیائی رمانتسکو Romanzesco دشوار بود. ریشه صفت، همان کلمه «رمان» است که اصل آن «رمانو» Romano یا «رومی» است که در صورت ابتدائی‌اش به داستانی اطلاق می‌شد که نه به زبان لاتینی، بلکه به زبان‌های عامیانه کشورهای مختلف اروپا یا زبان‌های رومیائی و به گونه‌ای جدید نوشته شده باشد و نیز از قوانین و مقررات کلاسیک، تبعیت نکند. در قرن هفدهم که اصل عقل در ادبیات معتبر بود، این کلمه را معادل چیزی غریب، هوسبازانه و دروغ به شمار آوردند، اما قریب صد سال بعد که ذوق مردم تغییر یافت، این صفت در انگلیسی و آلمانی اصطلاحی به مفهوم تمجید شد و زیبایی و دل‌انگیزی یک منظره را نشان می‌داد (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۳)

کلمه فرانسوی آن Romantisme، انگلیسی آن Romanticism و آلمانی آن Romantic و اسپانیایی و ایتالیایی آن Romanticismo می‌باشد (غنیمی هلال، بی تا: ۳). واژه رمانتیک در انگلیس برای اولین بار در سال ۱۶۵۰م به کار رفت. در آغاز معانی چون «رمانس‌وار»، «رمان» را می‌رساند یعنی همان آثاری که به زبان‌های بومی تألیف می‌شد (ولک، ۱۳۷۳: ۱۸) سپس در سال ۱۶۶۰م این کلمه از دلالت بر داستان‌های رمانس بالاتر رفت و بر مناظر طبیعی نیز اطلاق گشت و از این دوره به بعد در وصف کوه‌ها، روستاها و چشمه‌سارها به کار می‌رفت و عمدتاً معنای بکر و دست‌نخورده و خیال‌انگیز را می‌رساند (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۱۱).

در فرانسه واژه رمانتیک، اولین بار توسط «مادام دوستال»<sup>۱</sup> و متأثر از زبان انگلیسی پدیدار گشت. در این کشور بین رمانس به مفهوم خفت‌آور و «رمانتیک» به معنای ملایم، لطیف، حساس و محزون، تفاوتی قائل بودند و این واژه بعدها در فرانسه مفهوم «افسردگی» به خود گرفت (ثروت، ۱۳۸۵: ۵۱). خلاصه اینکه واژه رمانتیک در اواخر قرن هیجدهم در فرانسه بیشتر بیانگر واکنش عاطفی و پراحساسی بود که از طریق یک منظره در انسان برانگیخته می‌شد.

---

۱- Madam destal: بانوی ادیب فرانسوی (۱۷۶۶-۱۸۷۵).

در آلمان نیز این واژه تحت تأثیر زبان انگلیسی بوجود آمد و در قرن هیجدهم مترادف با کلمه **Romantichch** به کار رفت که اولین بار «ویلهلم شلگل» این واژه را در باب مسائل خیال‌انگیز به کار برد (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۱۰-۱۲). ساموئل جانسون (۱۷۰۹-۱۷۸۴م) که اندیشه‌هایی کلاسیک داشت با بدگمانی به این گرایش جدید می‌نگریست و در سال ۱۷۵۵م در لغت‌نامه خود «رمانتیک» را چنین تعریف کرد: به افسانه یا رمانس إطلاق می‌شود؛ نسنجیده، دور از ذهن، موهوم، نامتعارف، مملو از صحنه‌های نامعقول.

«رمانتیک» در حقیقت از دوره رنسانس، مفهوم بیان آزاد تخیل را در هنر یافته بود، مفهومی که باری منفی داشت. چنین اندیشه می‌شد که تخیل رمانتیک، وضوح شکل هنری را مخدوش می‌سازد و از تناسب‌های لازمه اثر هنری به دور است. سر بر آوردن روح رمانتیک در انگلیس قرن هیجدهم به نظر بعضی افراد، احیاء ادبیات عصر الیزابت و گرایش‌ات «گوتیک» آن بود. رمانتیسیم انگلیسی را «زایش نوزایی» توصیف کرده‌اند (هیث، ۱۳۸۰: ۶) بعدها به خاطر نفوذ نظریه پردازان آلمانی قرن هیجدهم، رمانتیسیم در سراسر اروپا و امریکا به عنوان توصیفی راه‌گشا از طرز تفکر معاصر عصر شناخته شد و در این راه بسیاری از دلالت‌های منفی خود را از دست داد.

با این‌وجود، کلمه رمانتیک مدت زیادی مترادف با **Pittoresque** (خیال‌انگیز) و **Romanesque** (افسانه‌ای) به کار برده می‌شد و تا سال ۱۷۷۵م به معنی امروزی به کار نرفت. در آن تاریخ کلاسیک‌های شکست خورده این کلمه را برای مسخره کردن طرفداران رمانتیسیم درباره آنها به کار می‌بردند. ولی نویسندگان جدید نیز این کلمه را قبول کردند و آن را با کمال افتخار بر زبان می‌راندند (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

برای نخستین بار در آلمان بود که این صفت، با اشعار ل. تیک (**L. tieck**) با عنوان (**Romantish Dichungen**) و نیز تراژدی «شیلر» به نام «باکره اورلتان» که به آن عنوان یک تراژدی رمانتیک (**Eine Romantisch Tragodie**) دادند، معنی خود را در ادبیات پیدا کرد و «گوته» این اصطلاح را در برابر کلاسیک قرار داد و در روز ۲۱ مارس ۱۳۸۰م، در برابر یوهان پتراکرمان<sup>۱</sup> ادعا کرد که این دو صفت (کلاسیک و رمانتیک) را برای اولین بار خود او در برابر هم

---

۱- J.P.Eckerman

قرار داده است و نیز تعریفی نه چندان جدی ارائه کرد، از این قرار که رمانتیک یعنی هر آنچه بیمار است و کلاسیک که ضد آن است یعنی سالم (همان: ۱۶۴).

به طور کلی ناقدان، در معنای لغوی آن اتفاق نظری ندارند، بلکه کلماتی چون: جذاب، از خود گذشته، پُر شور، آراسته، غیر وقع‌بینانه، نامعقول، مادی‌گرایانه، قهرمانانه، اسرارآمیز و پر احساس، عمیق و غمگین، برجسته، محافظه‌کارانه، انقلابی، رنگارنگ، شگفت‌انگیز، مربوط به شمال اروپا، منظم و صورت‌گرایانه، بی‌شکل و آشفته، احساساتی، وهم‌آلود و خیالاتی و احمقانه می‌تواند از معنای رمانتیک باشد (فورست، ۱۳۷۵: ۱۲).

### ۳-۱-۱- معنای اصطلاحی رمانتیسم

تعریف اصطلاحی رمانتیسم همانند تعریف لغوی آن، همواره با دشواری‌های گوناگونی رو به رو بوده است و به همین دلیل بسیاری از صاحب‌نظران به جای تعریف رمانتیسم، سعی کرده‌اند با بررسی تاریخ و چگونگی شکل‌گیری این مکتب و بررسی درون‌مایه‌ها، جنبه‌ها و زمینه‌های گوناگون آن به شناخت و درک روشن‌تری از آن دست یابند.

«فرید ریش شلگل»<sup>۱</sup> اولین کسی است که اصطلاح رمانتیسم را در محافل ادبی پیش کشید و نزدیک صد و پنجاه و پنج صفحه در تعریف رمانتیسم نوشت اما به معنی مشخصی برای رمانتیسم نرسید (صفوت رءوف، د.ت: ۲۴) و برخی از مورخین در سال ۱۹۲۵م، صد و پنجاه تعریف برای آن شمرده‌اند. حتی یکی از نویسندگان گفته: انواعی از رمانتیسم به تعداد افراد رمانتیسم وجود دارد (غنیمی هلال، بی تا: ۷). آنچه که تعریف رمانتیسم را مشکل می‌سازد این است که برخی از مشخصه‌های آن در برخی از رمانتیسم‌ها وجود دارد و برخی وجود ندارد، چون در آن جریان‌های متفاوتی گرد آمده‌اند. مثلاً با شهادت گرفتن کارهای «شاتوبریان»<sup>۲</sup> می‌توان گفت: رمانتیسم، حرکتی مسیحی کاتولیکی است. برخی دیگر مانند «فرید شلگل» گرایش کاتولیکی داشتند، حال آنکه «بایرون»

---

۱- Friedrich schelege: نویسنده و منتقد ادبی آلمان، متولد ۱۷۷۲ در هاننور، برادر اوگست ویلهلم شلگل.

۲- Chateabriand: نویسنده و سیاستمدار فرانسوی (۱۷۶۸-۱۸۴۷) تولد در سان مالو، مهمترین آثارش: آتالا، رنه، شهیدان، عظمت مسیحیت که اثرش به نام «خاطرات پس از مرگ» را شاهکار ادبی می‌دانند (اختریان، ۱۳۸۱: ۵۷۰).

به کلیسا دشنام می‌داد و بدبینی را متولد ساخت و «کیس» نغمه مرگ می‌سرود. «شلی» خوشبینی را برای آینده بشر می‌آورد. «وردزورث» شادی‌هایی از طبیعت، طلب کرده که همانندی ندارد و این جریان‌های متناقض، داخل جریان رمانتیسم، همه‌اش از توجه به روح فردی برانگیخته می‌شود که آن خصوصی است که رمانتیسم را برجسته و متمایز کرده است. زیرا روح فردی همان جریان اصلی این حرکت ادبی است؛ فردیت، جوهره رمانتیسم است (صفوت رءوف، د.ت: ۳۶).

منتقد بزرگ انگلیس «موریس بورا» در این باره می‌گوید: «کلمه رمانتیک آنچنان بزرگ و وسیع و برای اغراض گوناگون به کار رفته است که منحصر کردن آن به یک معنای منفرد، غیر ممکن به نظر می‌رسد و هر گونه تلاش برای ارائه تعریف تازه‌ای از آن، همین حکم را دارد» (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۰) و در تعریف رمانتیسم بیشتر بر روی انواع فرار رمانتیک‌ها تکیه می‌شود: فرار به رؤیا، فرار به گذشته، به سرزمین‌های دور دست، به تخیل (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۲) زیرا آنان بیشتر از اینکه از چهار چوبه‌ی خشک قواعد کلاسیک فراری باشند، از آزادی دروغین و رشد سرمایه‌داری نوپا می‌گریختند. برخی می‌گویند: نسل «رمانتیک» نسل «آرزوهای بر باد رفته» است و مکتب آنها مکتب سرخوردگی (همان: ۱۶۲).

برای درک گستردگی معنای اصطلاحی رمانتیسم برخی از تعریف‌هایی را که برخی از نویسندگان و مشاهیر نقد، ذکر کرده‌اند را بیان می‌کنیم:

روسو (Rousseau): «رمانتیسم، بازگشت به طبیعت است».

برونتییر (Brunetiere): «رمانتیسم، همان حرکت ادبی است که هر چه را که کلاسیک رد می‌کند، را می‌رویانند».

هاینه (Heine): «هنر کلاسیک، عالم محدود را به تصویر می‌کشد در حالی که رمانتیسم جهان نامحدود و لایتناهی را» و «رمانتیسم، همان بازگشت به زندگی قرون وسطی و اندیشه آن است».

أبرکرومبی (Abercrombie): «رمانتیسم، عکس کلاسیک نیست و اما عکس رئالیسم (واقعیه Realism) است و آن عقب نشینی از جهان خارج به جهان داخل است».

ویکتور هوگو (Victor Hugo): «رمانتیسم آزادی در بیان است و آن آمیختن خیال غریب به آنچه که خوبی و بدی است، می‌باشد و این چیزی است که کلاسیک، رد می‌کند. رمانتیسم، همان حقیقت زندگی در صورت کامل خودش است».

شیلینگ (Schilling): ذوق کلاسیک به بررسی گذشته، تمایل دارد اما ذوق رمانتیسم به گذشته اهمیت نمی‌دهد.

واتر هاوس (Waterhouse): رمانتیسم، همان تلاش برای فرار از عالم واقعیت است.

فیلپس (Phelps): رمانتیسم، همان افسردگی عاطفی (Sentimental Melancholy) است. (صفوت رءوف، د.ت: ۲۲)

جورج ساند (George sand): رمانتیسم بیشتر از آنچه که عقل را مخاطب قرار دهد، عاطفه را خطاب می‌دهد. عاطفه از عقل سرچشمه می‌گیرد نه از عقل.

هیر فورد (Her ford): رمانتیسم، پیشرفت غیر عادی احساس خیالی (Imaginative sensility) است.

استاندال (Stendhal): رمانتیسم، هنر امروز در هر زمان است و کلاسیک، همان هنر دیروز است.

«لیلیان فورست» در مورد تنوع معنایی رمانتیسم می‌نویسد: «می‌توان همه ساله تعاریف تازه و روز افزونی را که برخی از آنها دقیق و عالمانه نیز هست، به این فهرست اضافه کرد» (فورست، ۱۳۷۵: ۱۶) به طور کلی شاعران رمانتیسیست، لغت‌نامه‌ای کامل از کلمات «نچواگرا»، «زیبا» و «لطیف» به جا نهادند که مجموعه آنها حال و هوایی عاطفی، مبالغه‌آمیز و گاه وهم‌آلود تداعی می‌کند (اسوار، ۱۳۸۱: ۸۵).

حتی پیشگامان اولیه رمانتیسم نیز در تعریف اصطلاحی آن اتفاق نظر ندارند و هر سال که می‌گذرد، تعاریف دیگری برای رمانتیسم پیدا می‌شود و هر یک از این تعاریف خواه کلی یا جزئی را نمی‌توان نادرست شمرد؛ زیرا می‌توان هر یک از آنها را با ارجاع دادن به برخی از آثار ادبی یا نظریه‌های مشخص، توجیه کرد.



## ۲-۱-۱- رمانتیسزم در کشورهای پیشگام اروپایی

### ۱-۲-۱-۱- رمانتیسزم در انگلیس

رمانتیسزم در انگلیس در نیمه دوم قرن هیجدهم آغاز شد و در سال‌های پایانی قرن هیجدهم (۱۷۹۸م) با انتشار «ترانه‌های غنایی داستانی» (Lyrical Ballads) سروده مشترک «وردزورث» و «کالریج» رسماً تولد یافت و این سال آغاز حرکت رمانتیسزم اعلام شد (صفوت رءوف، د.ت: ۳۶). رمانتیسزم انگلیس را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول شاعران «دریاچه» نام دارند که به خاطر اقامتشان در منطقه دریاچه‌ای «وست مورلند» واقع در شمال انگلیس به شاعران «دریاچه» یا «مکتب دریاچه» مشهور شدند. «وردزورث» و «کالریج» از شاعران برجسته این گروه هستند. در شعر «وردزورث» همدردی عمیقی با محرومان جامعه و نوعی ناسیونالیسم سیاسی وجود دارد (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۳۹). طبیعت‌گرایی او غالباً با ستایش پاک‌ها و احساسات دوران کودکی همراه است. در نظر او «کودک، پدر انسان است»، طبیعت برای او بزرگترین مربی اخلاق، تأسیس‌کننده خیر و سعادت و جایگاه حضور الهی است. وی با یگانگی میان خود و طبیعت بکر، پیوند برقرار می‌کند (پرستلی، ۱۳۵۶: ۱۶۵-۱۶۶). وردزورث معتقد است: ارزش حقیقی شعر در اثری که بر نفس خواننده ایجاد می‌کند و نوع معرفتی که به خواننده دست می‌دهد، نهفته است. وظیفه شاعر بررسی عواطف انسانی بخاطر تحقق یافتن سعادت انسان است با حفظ سلامت عقلی و خلقی او. شاعر بزرگ کسی است که عواطف انسان را بالا می‌برد و پاک می‌کند. وظیفه شعر، معالجه عواطف انسانی است تا سعادت انسان تحقق یابد (السادات، ۱۹۸۶: ۲۴۳). خلاصه هدف شعر در نظر وردزورث همان تظهير روح است (همان: ۹۰). اما «کالریج» علاوه بر شاعری در نظریه‌پردازی و نقد ادبی مشهور است. مهمترین ویژگی شعری او دل‌بستگی و پیوند با امور خارق‌العاده است، شعرش مخصوصاً «دریاچه کهن» از شگفت‌ترین اشعار رمانتیک است (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۳ و ۱۶۶).

گروه دوم، افرادی هستند که با وجود جوان‌تر بودن اعضای آن، چهره‌های اصلی آنها در جوانی و زودتر از گروه اول در گذشته‌اند. اوج فعالیت آنان حدود سال ۱۸۲۰م. بوده است. «شلی» و «کیتس» از چهره‌های شاخص این نسل هستند (همان: ۲۳۸). «شلی» مصداق «عصیان رمانتیسزم» است که این

عصیان از سویی جنبه الحادی و شیطانی دارد و از سوی دیگر در پی آزادی همه جانبه‌ی انسان است و در پی آن علیه همه قوانین، آداب و مذاهب بر می‌خیزد. در عقیده «شلی» شاعران مؤسسان جامعه شهری و مبتکران هنرهای زندگی هستند. شاعر، پیامبر و قانون است. او کسی است که با اندیشه‌اش در مورد آنچه که او را احاطه می‌کند، قوانین زندگی را کشف می‌کند (السادات، ۱۹۸۶: ۹۳).

«کیتس» شاعری رمانتیک، احساساتی و جوان‌پسند است که در سن بیست و شش سالگی در رُم در گذشت. وی مانند بسیاری از شاعران رمانتیسم، به خاطرات دوران کودکی و بازگشت به آن، عشق کامجویانه، زیبایی طبیعت و هنر، آرزوی مرگ، افسون گذشته کلاسیکی و بسیاری از مسائل دیگر توجه دارد. مهمترین ویژگی او این است که او شاعر «حس» است و کشف زیبایی از طریق تخیل را جایگزین کشف واقعیت‌ها از طریق عقل می‌کند (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۴۴). کیتس گفته: حق و زیبایی چیز واحدی هستند، برای تو بس است که این را بدانی تا از آنچه از نیکی در کتاب‌ها است، بهره‌مند شوی (السادات، ۱۹۸۶: ۴۸).

خلاصه این که: «شعر اصلی‌ترین قلمرو رمانتیسم انگلیس است، اما برخی از منتقدان رُمان «بلندی‌های بادگیر» اثر «امیلی برونته» را بزرگترین شاهکار رمانتیسم در قلمرو نثر دانسته‌اند» (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۴۷).

## ۲-۱-۱-۲-۲ رمانتیسم در آلمان

رمانتیسم آلمان به طور رسمی در سال‌های پایانی قرن هیجدهم آغاز شد (پریستلی، ۱۳۵۶: ۱۳۶) و از منابع مهم گذشته مانند آراء نوافلاطونی، روسو، رمانتیسم انگلیس و... الهام گرفته است که در آلمان موفق بوده است. رمانتیسم‌های آلمان به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف- رمانتیسم‌های نخستین: در دهه آخر قرن هیجدهم، تعدادی از افراد هم رأی، ابتدا برای مدتی کوتاه در «برلین» و بعد در شهر کوچک «ینا» مستقر شدند که «رمانتیک‌های نخستین» را شکل دادند و هسته اصلی آنان دو برادر به نام «فرید ریش شلگل» و «اوگست ویلهلم شلگل»<sup>۱</sup> بودند (همان: ۲۴۰-۲۴۱).

---

۱- Wilhelm schelgel: شاعر، مترجم و منتقد آلمانی (۱۷۶۷م. - ۱۸۴۵م.) برادر فرید ریش شلگل.

ویلهم شلگل، دارای ذهنی فعال و تفکری دقیق بود که نظریه‌ها و دیدگاه‌های برادرش را که دارای ذهنی خلاق ولی نامتعادل بود، جمع‌آوری و ارائه کرد و باعث شد به عنوان سخنگو و مفسر نظریه رمانتیک آلمان شناخته شود (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۴۲۸/۲) و مهمترین دست‌آورد او قرار دادن رمانتیک در مقابل کلاسیک است (ولک، تاریخ نقد، ۱۳۷۳: ۷۴/۲) ب- رمانتیک‌های بزرگ: که به «رمانتیک‌های جوان» و «رمانتیک‌های هایدلبرگ»<sup>۱</sup> نیز شهرت یافته‌اند. از جمله این رمانتیسم‌ها عبارتند از: «هاینه»، «هوفمان»، «کلايست» که آنان به تدریج از ایده‌آلیسم افراطی و ذهن‌گرایی بی‌حد و مرز رمانتیک‌های اولیه دور شدند و به موضوعات علمی‌تر و واقع‌بینانه بازگشتند، به همین دلیل توانستند، مهمترین آثار ادبیات رمانتیسم آلمان را پدید آورند (فورست، ۱۳۷۵: ۲۰).

رمانتیسم در آلمان بیشتر در شعر و در موضوعاتی چون: شیفتگی به گذشته و امور طبیعی و ساده، کندوکاو در امور خارق‌العاده و فوق‌طبیعی و غیره، جلوه‌گری کرد. رمانتیسم آلمان از حدود نیمه قرن هجدهم تا سال مرگ «گوته» (۱۸۳۲م) دارای وحدت و پیوستگی بود و از آن پس به تدریج در آلمان رو به افول نهاد. مکتب رمانتیک، تحلیل‌ها و مباحث اصولی را بیشتر از اینکه مدیون فرانسوی‌ها باشد، از آلمانی‌ها گرفته است.

### ۳-۲-۱-۱- رمانتیسم در فرانسه

در طول دهه ۱۸۴۰م. رمانتیسم در فرانسه، رواج یافت و رمانتیسم فرانسه تحت تأثیر رمانتیسم انگلستان و آلمان بود (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). یکی از مشهورترین رمانتیسم‌های فرانسه «ویکتور هوگو» است؛ او از دیگران مردمی‌تر است و بیشتر از آنها توانسته با غم و پریشانی مردم همدردی کند. اشعار او بیشتر، غنایی و آکنده از احساسات شخصی است و اشارات روشنی به حوادث روزگار دارد (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۶۱). «آلفرد دو وینی» از جمله رمانتیسم‌های فرانسه، است که به بدبینی، شکایت، انزوا طلبی و یأس گرایش یافت و بدبینی‌اش گاه به کل آفرینش تعمیم می‌یابد. وی پیرو تام شکاکیت نیست بلکه بیشتر از پرسش‌ها و تردیدهای مذهبی رنج می‌برد. گاه در عمق

---

۱- به علت سکونت چند تن از اعضای آن در این شهر

وجودش نوعی حس مبهم امید به آینده دیده می‌شود و از نظر «تخیل» بر همه رمانتیک‌های فرانسه برتری دارد (همان: ۲۶۳).

از دیگر ادیبان رمانتیسم فرانسه «آلفرد دو موسه» است که در شعر، رُمان، مسائل ادبی و ظهور رمانتیسم، دیدگاه ویژه‌ای دارد و بر خلاف رمانتیسم‌ها به فلسفه، طبیعت، انسانیت و پیشرفت، علاقه‌ای نشان نمی‌دهد (همان: ۲۶۲). «لامارتین» از جمله پیشتازان شعر غنایی رمانتیسم فرانسه است که کتاب «تأملات شاعرانه» او را می‌توان سر آغاز موج تازه‌ای از شعر و داستان رمانتیکی به شمار آورد. برخی از صاحب‌نظران شعر او را بخاطر قوتی که در القای تأثیرات شاعر به مخاطب و شرح بی‌قراری‌های انسان در میل به آرمانی نامعلوم، دارد «روح موزون» لقب داده‌اند (وان تیگم، ۱۳۶۶: ۵۸). از دیگر پیشگامان رمانتیسم در فرانسه «مادام دوستال» است که او هسته اصلی شعر را هیجان و نوعی حالت سودایی می‌داند و شعری را می‌پسندد که «روح را به گریستن وا دارد و مخاطبان را شیفته و بی‌قرار و از خود بی‌خود کند» (جعفری، مسعود، ۱۳۷۸: ۲۵۷).

رمانتیسم در همه مضامین در فرانسه شکوفا نگردید بلکه در برخی از مضامین چون بازگشت به دوره کودکی و بدوی‌گرایی مانند «**اعترافات یک کودک قرن**» اثر موسه، همدردی با افراد جامعه مانند کتاب «**بینویان**» اثر هوگو، بدبینی و یأس شدید که در آثار «آلفرد دو وینی» نمایان است، به شکوفایی رسید. برخی از محققان سال ۱۸۵۲م را سر آغاز یک دوره تازه و پایان عصر رمانتیسم فرانسه می‌دانند.

### ۳-۱-۱- فرق رمانتیسم و کلاسیسم

أ- کلاسیک‌ها عقل را اساس شعر کلاسیک می‌دانند اما رمانتیک‌ها بیشتر پایبند احساس و خیال پردازی هستند. رمانتیک‌ها عَنان را برای عاطفه گشودند و خیال را در جای عقل قرار دادند و خیال نزد آن‌ها وسیله‌ای اساسی برای درک حقیقت‌ها است (العشماوی، ۱۹۹۴: ۲۵۱). عاطفه و احساس پایه‌های انسانی هستند و راه سمو روحی. سمو نزد رمانتیسم‌های خالص، همان ایجاد